

چه قدر سخت است هنگام سخن با پدر کاشی کاری ایران، متوجه بعضی نهفته در صدایش شوی. بشنوی از کوتاهی‌ها و جفاهایی که در حق چنین اسائیدی می‌شود و چون عابری از کنارمان می‌گذرد. چه قدر سخت است که غم آشکار در چشمانش را دید و نتوان شریک درد شد. چون مال امروز و دیروز نیست، ریشه‌ها دارد. تاریخ بارها صدای استاد ماهرالنقش را که به راستی نقش را رسم می‌کند ماهرانه، شنید و دم برنیاورد. صدای فریادش را، صدای درخواستش را، صدای دلسوزانه‌اش به حال این مرز و بوم و به حال ما که جوان هستیم و گنجینه‌ای چون این اسائید را به راحتی نادیده می‌گیریم. آری، بیش از ۵۰ سال است که او می‌گوید و نهادها و اجتماعات فرهنگی نمی‌شنوند، شاید هم ترجیح می‌دهند که نشنوند. اما ما می‌گوییم، تا شاید دینی را که استاد به گردنمان دارد تا حدی ادا کنیم. مایی که خود را دوستدار ایران و میراث فرهنگی می‌دانیم، می‌نویسیم از درد و دل‌های کاشی کاری و معماری کشور با چهره‌ی ماندگار ایران، استاد محمود ماهرالنقش به این امید که مدبری، ارگانی و آن‌ها که خود را صاحب اختیار و دلسوز میراث فرهنگی می‌دانند بخوانند و سال‌ها تلاش استاد، روزی به نتیجه برسد.



زندگی‌نامه

استاد محمود ماهرالنقش در سال ۱۳۰۱ در اصفهان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان و تهران گذراند. درباره معماری ایران مطالعاتی را انجام داد و در سال ۱۳۳۸ دعوت دانشگاه علم و صنعت ایران را برای تدریس دانسته‌های خود به این دانشگاه رفت. وی در سالهای ۴۲ تا ۴۷ طرح سوالات امتحانی رشته ساختمانی برای دانشجویان ورود به دانشگاه بود. چون در آن برهه زمانی، کتلی برای تدریس ساختمان در هیچ دانشگاه، هنرستان و حتی کشور وجود نداشت و جای خالی آن کاملاً محسوس بود، اولین کتاب خود را با نام «اصول عملی ساختمان» در سال ۱۳۴۴ به رشته تحریر درآورد.

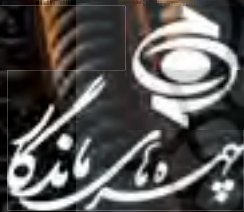
وی تدریس و برنامه ریزی برای تکنیکوم نفیسی و بعضی از هنرستان‌ها را نیز به عهده دارد. از سال ۱۳۶۰ تا به امروز کتابهای متعددی در زمینه ساختمان، هنر و آجرکاری و کاشیکاری ایران تالیف کرده که تعداد آنها به ۲۵ جلد می‌رسد. مقالات زیادی در فصلنامه هنر، مجله موزه‌ها و مجله هنر معماری وابسته به انجمن آرشیتکت‌های ایران و مقاله آجر کاری و کاشیکاری بین المللی سال ۱۳۸۳.

وی تاکنون مشاور هنری آستان قدس رضوی است و همچنین مشاور هنری مصلی تبریز بوده و در ضمن عضو هیات علمی همایش بین المللی ریاضیات ایران در سال ۱۳۸۶ نیز بوده است.

وی همچنین مقالات زیادی در فصلنامه‌ها و مجلات مرتبط به رشته تحریر درآورده است. استاد آجرکاری و کاشی کاری سنتی ایران نمونه‌هایی به یادگار گذشته است؛ از جمله ساختمان توان بخشی دانشگاه اصفهان، سالن آمفی تئاتر دانشکده پزشکی، آمفی تئاتر دانشکده پزشکی زاهدان، آمفی تئاتر دانشگاه چابهار و آمفی تئاتر دانشگاه الزهراء در تهران.

ماهرالنقش، استاد مسلم
طراحی و نقش کاشی کاری

میراث ساز زمین‌های اسلامی



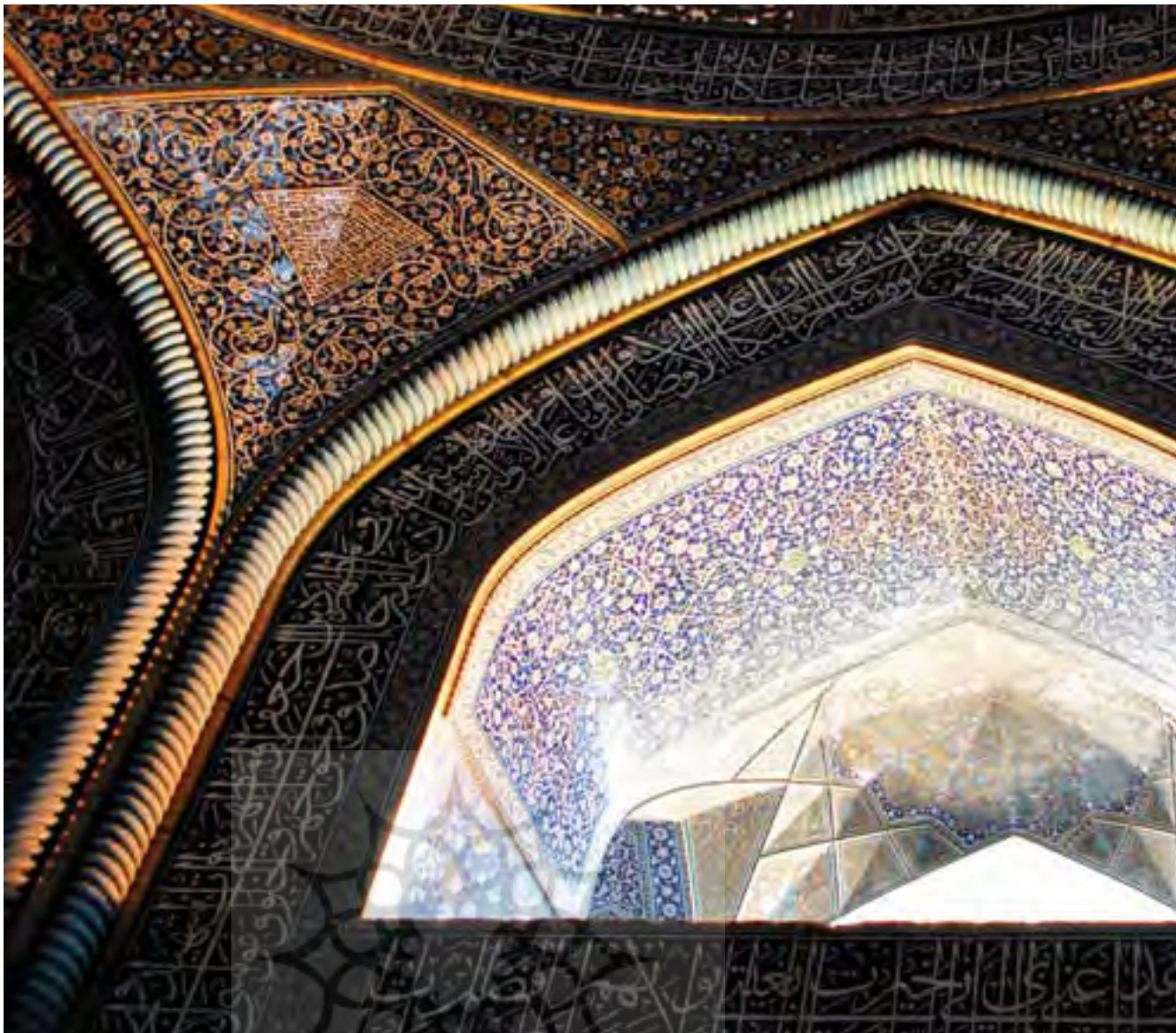
استاد، در حال حاضر که در آستانه‌ی نود سالگی هستید، آیا خود را کاملاً بازنشسته کرده‌اید؟ یا هنوز به طراحی، کاشی کاری و تدریس می‌پردازید؟

بله هنوز مشغول فعالیت هستم. اما به دلیل پاره‌ای از مشکلات، به صورت متداول کار نمی‌کنم، بلکه در برخی موارد استثنایی کارهایی که به پیشنهاد می‌شود را می‌پذیرم. مثلاً به تازگی طراحی و اجرای کاشیکاری موزه ای به سبک صفویه را که به من پیشنهاد شده بود در لندن به پایان رسانیدم که بسیار مورد توجه قرار گرفت. همچنین کارهایی که بداتم با خود ماندگاری را به همراه دارد قبول می‌کنم اما وقتم را برای کارهای کوچک نمی‌گذارم. چند سالی هم می‌شود که تدریس را به دلیل مشغله‌های کاری کنار گذاشته‌ام. به این علت که نمی‌توانم سر ساعت معینی در کلاس حضور پیدا کنم.

سیر تحول کاشیکاری را در ایران از دوران تیموری و صفویه تا کنون چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ببینید، به علت متفاوت بودن این دو دوره با یکدیگر ما حتی نمیتوانیم روی این موضوع خیلی بحث کنیم. زیرا دنیا به علت وجود تکنولوژی به سرعت رو به پیشرفت است. به عقیده من نباید در گذشته باقی ماند و فرصت را برای این مسایل به هدر داد. خوب در زمان سلجوقیان از کاشی‌های یک رنگ استفاده می‌شد که بعدها تبدیل به هفت رنگ شد و امروزه باز هم تکنیک‌های جدیدتری آمده که نمی‌توان به آسانی از آنها گذشت و تکیه به کاشیکاری سنتی و اصیل ایران کرد. با این تفکرات ما مدیون دنیا خواهیم شد. اکنون دیگر تنها هفت رنگ برای ساخت کاشی نداریم، بلکه هزاران رنگ زیبا برای ساخت کاشی با استفاده از دستگاه‌های مدرن به دست می‌آید. همچنین از لحاظ کاشت بیسکوئیت، روزی ضخامت کاشیها ۲ تا ۲/۵ ضخامت داشت اما اکنون رسیده است به یک سانت، که باز هم این موضوع نشان از تکنولوژی روز دارد. البته این را هم اضافه کنم که به شدت مخالف برش کاشی با لیزر و چسباندن آن با چسب هستم و هنوز سبک سنتی را در این موارد ترجیح می‌دهم.

پس کیفیت کاشی و کاشی کاری در مقایسه با گذشته و تغییر شیوهی به دست آوردن سنتی به مدرن را در حال حاضر و آینده رو به بهبود می‌بینید؟



راه خلق این هنر را بیاموزند. بنابراین ایده‌های نو در کاشی‌کاری را بیش از همه در خطاطی دیده‌ام تا صرفاً در خود طرح‌ها.

هنرمندان از شما به عنوان متولی کتب هنرستانی یاد می‌کنند؟ چه شد که به فکر نوشتن این کتاب‌ها افتادید؟

زمانی که فرهنگی شدم و دانشگاه علم و صنعت از من برای تدریس ساختمان دعوت کرد. هنگامی که در آنجا مشغول کار شدم به عنوان یک مدرس تازه متوجه فقدان اطلاعات کاربردی و کتاب در این حوزه شدم و حتی جالب است بدانید که در ایران از سال ۱۳۱۰ در هر شهر یک یا دو هنرستان وجود داشت اما تا سال ۱۳۶۰ هیچ یک از این هنرستان‌ها کتابی برای تدریس نداشت و تمام دانش‌آموزان رشته‌های مختلف هنری چاره‌ی جز یادداشت برداری در جزوات خود نداشتند. خوب این یکی از مشکلات عمده‌ی آموزش و پرورش کشور بود که با این عظمت، در طول ۵۰ سال هنوز موفق به چاپ کتب این رشته نشده بودند. در سال ۱۳۴۱ آموزش و پرورش اعلام کرد که فارق‌التحصیلان هنرستان‌ها می‌توانند با آزمون ورودی به دانشگاه علم و صنعت راه پیدا کنند. متقاضیان زیادی نیز ثبت نام کردند. روزی که جلسه‌ای جهت انتخاب طراح سوالات کنکور تشکیل شد هیچ یک از اساتید حاضر به قبول این مسوولیت نشدند. به قول معروف شاهین دور زد و آمد بر سر ما نشست و قرعه به نام ما افتاد. سوالات را طرح کردم و این عمل در دانشگاه تبدیل به یک سنت شد و سالی دو مرتبه، بنده آخرین سوالات کنکوری را طرح کرده و به رییس دانشگاه ارائه می‌دادم. همیشه نزدیک به کنکور که می‌شد دانش‌آموزان تماس می‌گرفتند و سراغ منبع و کتاب سوالات را از من می‌گرفتند.

من هم طبق معمول به همین علت سوالات را با ذهن خود طرح می‌کردم، جوابی نداشتیم به آنها بدهم و این روال در سال ادامه داشت. آن زمان با چند معمار آمریکایی در ایران آشنا بودم و آنها چندین بار به من پیشنهاد داده بودند که کتابی در زمینه معماری بنویسم و با سرمایه‌ی آن‌ها چاپ کنم اما به آنها می‌گفتم که سواد چاپ کتاب ندارم. اما وقتی تماس‌های مداوم دانشجویان را برای راهنمایی در مورد کتاب قابل مطالعه دیدم، اولین جرقه به ذهنم خورد و با خود گفتم که چطور می‌شود ما باشیم و هنرستان‌های این مملکت فاقد کتاب باشند؟

صددرد، کیفیت‌ها در مقایسه با گذشته نه تنها پایین نیامده است، بلکه افزایش کیفی روزافزونی را در این راستا شاهد هستیم. دلیلش هم این است که روزی خاک رس را خمیر کرده و از آن آجر درست می‌کردند، اما امروزه سنگ کوه‌ها را تخریب کرده و تبدیل به خاک می‌کنند و از آن آجر می‌سازند. این مسایل مدام در حال بررسی و مطالعه و بهتر شدن است.

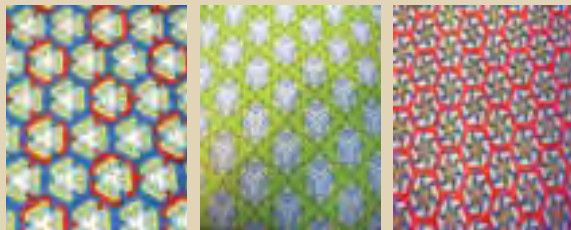
لعاب نیز در مقایسه با گذشته قدرتمندتر شده و با کیفیت بهتری تولید می‌شود. حال اگر ما بخواهیم به علت تعصبی که به تاریخ خود داریم در شیوه‌ی سنتی خود باقی بمانیم کشورهای دیگر پیشرفت کرده و ضرر را خودمان خواهیم خورد. خدراشکر در ایران تکنولوژی کاشیکاری کاملاً به روز است و تنها موردی که هنوز موفق به ساخت آن نشده ایم، کاشی در اندازه‌های بزرگ است که انشاءالله آن را هم به زودی تولید خواهیم کرد.

هنر کاشی‌کاری در کشورهای اروپایی مانند اسپانیا در حال به روز شدن در نوع ایده‌ی طرح‌ها است، آیا این امر در ایران نیز امکان پذیر است یا همان ایده‌های سنتی و اسلامی برای همیشه باقی خواهند ماند؟

حرفه‌ی من هنری است که از پیش از صفویه وارد ایران شد و تا امروز ایده‌ها و افکار جدیدی را با خود به دنبال داشته است، به خصوص در تلفیق خط و کاشی‌کاری. برای مثال ما خطی داریم به نام خط معقلی، این خط پیش از اسلام توسط اعراب تدوین شد و با ظهور اسلام با تغییراتی اندک وارد ایران شده و در زمان صفویه به اوج شکوفایی می‌رسد و در اکثر بناهای آن دوره در کنار کاشی‌کاری‌های بی‌نظیر خودنمایی می‌کند. اما پس از آن دوران خط تحریری یا کبی برداری‌ها جایگزین معقل می‌شود. حتی مرحوم فضایی در کتاب اطلس خط خود در چند صفحه خطوطی را به رشته تحریر درآورده است که به همراه پسرش آنها را تدوین کرده است و از این کار خود به عنوان شاهکار یاد می‌کنند که مثلاً در آن زمان قادر به خلق چنین امری بوده‌اند. تکنولوژی و هنر روز و همینطور پیشرفت علم باعث پیدایش خطوط ناب هنری شده‌اند. بنده در ۸ سالی که در آستان قدس رضوی مشغول خدمت بودم نزدیک به ۴۰ خط طراحی کردم. کتابی نیز در این باره تدوین کرده‌ام که پس از چاپ علاقه‌مندان این هنر می‌توانند از آن استفاده کرده و دسترسی و



کاشی گل
امام (مسجد
سلطانی)، شهر
سمنان، دوزه
قاجاریه /
۱۲۳۰ تا ۱۲۴۳
هجری قمری /
عکس:
بهزاد ترکی زاده



تا ساعت ۶ و ۷ دانشگاه بودم و عصرها در منزل تا طلوع آفتاب مطالعه می‌کردم. سپس برای تسهیل کارم تصمیم به خرید دوربین و پرژکتور گرفتم و از بناهای کاشی‌کاری شده عکس‌برداری می‌کردم و به وسیله پرژکتور عکس‌شان را بر روی دیوار انداخته و از روی آنها نقشه‌شان را می‌کشیدم. چند سالی این کار را ادامه دادم و به قدری مهارت پیدا کردم که برخی استادان معماری و ساختمان در دانشگاه علم و صنعت ساعتی از کلاستان را برای آموزش به من اختصاص دادند تا دانشجویان با هنر کاشی‌کاری بیشتر آشنا شوند.

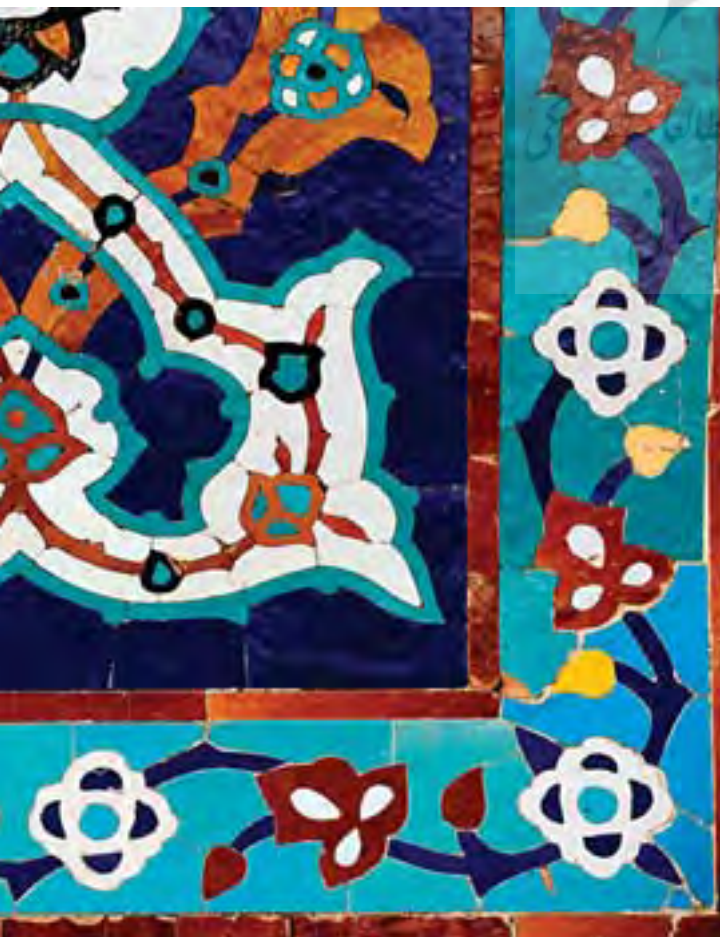
بعد از آن بود که کتاب مشهور خود، کاشی‌کاری را تالیف کردید؟

پس از تسلط بر این هنر، نوشتن کتب کاشی‌کاری را شروع کردم. کار ساده‌ای نبود. خوب این هنر ۱۵ قرن سینه به سینه تا به امروز آمده بود و من می‌خواستم آن را روی کاغذ بیاورم. حتی تعدادی از اساتید به من گفتند که این کار به هیچ عنوان شدنی نیست و وقت تلف کردن است. زمان می‌گذشت تا اینکه قرار بر این شد من از علم و صنعت به فرهنگستان هنر منتقل شوم و در آنجا به تحقیق و نوشتن کتب خود ادامه دهم. در آن زمان عضو جامعه مشاورین ایران بودم، محلی را که همین فرهنگستان بود برای ادامه فعالیتیم به من اختصاص دادند. تا سال ۱۳۵۷ که انقلاب شروع شد، ۵ جلد از این کتب نوشته شده بود اما به علت انقلاب چاپ نشد. قرار بر این شد کتاب‌های موجود را بررسی کرده و هر کدام که قابل چاپ است را چاپ کرده و الباقی را به پس بدهند. همه‌ی کتاب‌ها بررسی شد و تنها کتاب من ماند که زیر نظر موزه‌ی رضا عباسی در دست مطالعه بود. بلاخره تصمیم به چاپ آن‌ها گرفتند و حتی به من گفتند که این کتاب‌ها اگر امروز چاپ شود بهتر از فرداست و روانه‌ی کاغذ بازی‌ها و تشکیلات دولتی شدم. سال ۶۱ قرار داد نشر کتاب را با چاپ خانه بستم و در سال ۶۵ چاپ کتاب‌هایم به پایان رسید. مشکلات زیادی از قبیل نبود کاغذ، گذر از مراحل اداری و بسیاری دیگر چاپ این کتاب را ۴ سال طولانی کرد تا در نهایت ۵ جلد این کتاب وارد بازار شد. تا چاپ دوم که به علت تداخل با زمان جنگ، در انتظار پایان جنگ نشست. پس از سال ۷۰ بود که از ما خواستند کتب کاشی‌کاری را برای مجوز چاپ دوم تحویل ادارات مربوطه دهیم. بماند که ۱۰ سال رفتیم و آمدیم. نه کتاب‌ها را چاپ می‌کردند و نه برمی‌گرداندند، حتی مجادله‌ای با رییس سازمان میراث داشتیم تا بلاخره در سال ۷۹ آنها را پس گرفتیم. رییس سروش که آن زمان آقای اشعری بود نماینده‌ی خود را به دنبالمان فرستاد تا برای چاپ کتاب‌ها از طریق

سال ۱۳۴۳ شروع به نوشتن کتابی به نام «اصول عملی ساختمان» کردم که مربوط به کنکور دانش‌آموزان می‌شد و حدود یک سال به طول انجامید. اما جرات چاپ کردنش را نداشتم. تا اینکه در کمیته‌ی کتاب دانشگاه علم و صنعت کتاب من را زیر نظر هشت دکتر و دو مهندس بررسی کردند و به محض پایان جلسه همه‌ی آنها از اتاق بیرون آمده و به من تبریک گفتند. بسیار خوشحال شدم که اولین کارم مورد تایید یک هیات علمی قرار گرفت و به وسیله یکی از همین اساتید که در کار چاپ نیز بود، بلاخره کتاب بنده چاپ و روانه بازار شد و در نتیجه باعث آسان‌تر شدن کنکور شد. چند سال بعد با وجود مشغله‌ی بیشتر در مقایسه با گذشته، به فکر نوشتن کتاب دوم و البته بهتر افتادم. کتاب دوم، «اصول فنی ساختمان» با موفقیتی بی‌نظیر روانه بازار شد و تا کنون به چاپ دوازدهم نیز رسیده است. البته مشکلاتی نیز وجود داشت، مانند نظر مخالف معلمان به کتب من، معلمانی که هنوز به سنت جزوه نویسی پایبند بودند. سال ۱۳۵۸ پس از انقلاب، به دعوت آموزش پرورش به همراه گروه شروع به تدوین کتب هنرستانی کردیم و در سال ۱۳۶۰ دیگر تمامی هنرستان‌های کشور برای تدریس در هر رشته جداگانه کتاب مشخص داشتند. اما مرسوم است هر ۱۰ تا ۲۰ سال یک بار تجدید نظری در تمامی کتب آموزشی کشور انجام شود. در سال ۱۳۷۹ بازبینی کتاب‌های هنرستان را به عهده‌ی من گذاشتند و این افتخاری است برای من که کوچکترین تغییری در کتاب اصول فنی ساختمان تا به امروز انجام نگرفته است.

استاد چطور شد که وارد کار کاشی‌کاری شدید؟ آیا این امر موروثی بود یا تنها جرقه‌ای شما را به این امر راهنمایی کرد؟

همانطور که گفتید این گونه علاقه‌ها به منزله یک جرقه است. همه کودکان دارای ذوق هستند. اکنون به گونه‌ای شده است که تعدادی اسباب بازی را جلوی کودک می‌گذارند تا استعداد وی را بسنجند. خوب در قدیم این کارها متداول نبود، همه هنرمندان آن زمان خود راهشان را پیدا کرده و به دنبال آن می‌رفتند. من خود یک معمارزاده بودم و به قول آن روزی‌ها «چکیده» بودم نه «چسبیده». به چکیده‌ها، یعنی کسانی که هنر را از پدر به ارث برده باشند به راحتی کار می‌دانند، اما چسبیده‌ها یعنی کسانی که پدرشان شغل دیگری داشتند، مجبور بودند برای کار مدتی آموزش ببینند. آن زمان مکتب خانه‌ها تازه تبدیل به مدارس شده بود و من وارد دبستان شدم. در مسیری که از آن به سمت مدرسه می‌رفتم چندین بنای تاریخی وجود داشت. هر لحظه که فرصتی پیدا می‌کردم در کنار گردشگرانی که به این اماکن می‌آمدند به تماشای معماری و کاشی‌کاری بناها مشغول می‌شدم. همیشه در نوع نگاه تفاوتی را میان خود و دیگر تماشاگران حس می‌کردم. اکثر آنها تنها به رنگ‌ها توجه داشتند. من در این فکر نبودم، در آن زمان به این فکر می‌کردم که نقشی که در دیوار کشیده شده و هر گل و بوته‌ای از آن یک رنگ است چه گونه ساخته و ترسیم شده است؟ قاعده‌ی آن‌ها چیست و استاد آن چه قدر روی آن فکر کرده است؟ سال‌ها گذشت و گاهی در تهران و گاهی نیز در اصفهان زندگی می‌کردیم و تعلیم معماری می‌دیدم. در زمانی که مشغول کار تدریس و نوشتن بودم، حدود سال ۴۸ بود با رسیدن کتابی به دستم به طور اتفاقی، به یاد کاشی‌کاری‌های شهرم افتاده و با خود گفتم اکنون زمان آن است که شروع به فعالیت در زمینه کاشی‌کاری کنم و شروع کردم. کار بسیار مشکلی بود، بدون وجود هیچ مدرک و کتابی شخصاً در این زمینه تحقیق می‌کردم. خوب این رشته، کار بسیار دقیق و حساسی بود و اساتید نیز رسم نداشتند که چیزی به کسی یاد دهند، هر کس هر چه داشت در سینه با خود به خاک می‌سپرد. خیلی در این راه صدمه خوردم، هر روز



یک کلام از ما، یک نظر از استاد:

خدا: احد و واحد
هنر: عاشق بودن
زیباترین شهر ایران: اصفهان
زیباترین شهر جهان: اصفهان
اصفهان: موزه‌ای با زندگی روزمره
ایران: با افتخار می‌گویم ایرانی‌ام
استاد فرشچیان: بهترین ساعات زندگی‌م را با ایشان گذرانده‌ام



کتاب استاد

کاشیکاری ایران،
خط بنایی،
معماری مسجد
حکیم، آلبوم نقش
فیروزه، نقش در
نقش، آجر و نقش،
کاشی و کاربرد
آن و نگاهی به
کاشیکاری ایران از
کتاب تالیف شده
و مشهور استاد
هستند

اصفهان که از بهترین بناهای دوره قاجاریه است کتابی نوشته‌ایم در ۲۰۰ صفحه، که حتی یکی از مسوولان حاضر نشد به آن نگاه کند. متأسفانه تعداد افراد دلسوز در این مملکت انگشت شمار است. همچنین سبک‌ها مختلف است و باید مقایسه‌ی محلی شده و سبک‌ها مشخص شود. برای مثال استاد محمود فرشچیان با من تماس گرفتند و گفتند کتابی را با عنوان «الاشکال الهندسیه العربیه» چاپ کرده‌اند که در آن اشکال ایرانی را به اسم هنر عربی معرفی کرده‌اند. در این کتاب، اشکال ایرانی را بدون ذکر نام پدید آورنده چاپ کرده‌اند و نامش را هنر عربی گذاشته‌اند. این اتفاق از نظر من و همین‌طور از لحاظ مملکتی و سیاسی مهم است. کاشی‌کاری هنری ایرانی است و تولد کاشی در ایران بوده است. چرا باید گذاشته شود که این اتفاق بیافتد؟

یعنی به نظر جنابعالی به عنوان شخصی که کارهای معماری - مرمتی بر روی ابنیه تاریخی داشته‌اید، آیا سازمان میراث فرهنگی که پاسدار ابنیه تاریخی است، نتوانسته است در ساماندهی امور مربوطه موفق عمل کند؟

تنها به یک نمونه اشاره می‌کنم، یک سال و نیم پیش بود که به سازمان اوقاف اصفهان رفتم و از آنها پرونده‌ی مسجد سیداصفهان را خواستم. جالب است بدانید پرونده‌ای که برای من آوردند پوشه‌ای بود به همراه یک کاغذ A4 که در آن نوشته بودند مسجد سید اصفهان حدود ۸ هزار متر زیربنا دارد و متعلق به دوره قاجاریه است و حجت الاسلام حاج سید محمد باقر شفتی آن را ساخته است. این پرونده‌ی مسجدی با این عظمت بود. پس از آن به سازمان میراث تهران رجوع کردم و پرونده مسجد سید را طلب کردم. باز هم در دست ما پوشه‌ای گذاشتند با عکسی از این مسجد در داخلش. در صورتی که من ۲۰۰ صفحه مطلب در این خصوص نوشته و ارائه داده بودم که انتگار مقفولاً اثر شده است. حال شما می‌گویید من چه کار می‌توانم بکنم؟ وقتی زاینده رود با آن شهرت و جاذبه‌ی گردشگری‌اش خشک شد و کسی کوچکترین توجهی نکرد و حتی با جرات اعلام کردند که زاینده رود خشکید و دیگر آب ندارد، خوب میراث فرهنگی که دیگر جای خود را دارد، البته، خوب خصوص شناسنامه دار شدن بناها، سازمان میراث به تنهایی عهده‌دار این کار نیست، بلکه سازمان اوقاف نیز در این زمینه مسوول است و هر دو عهده‌دار این کار هستند

جایگاه کاشی‌کاری ایران در دیگر کشورها چگونه است؟

باید بگویم کاشی‌کاری ایرانی در بیشتر کشورها شناخته شده است و حتی در برخی موارد پول بسیار خوبی به کاشی‌کاران برای تزئین بناهای خاص می‌دهند. مانند همان کاری که بنده در لندن انجام دادم.

آیا این هنر اصیل ایرانی در میان جوانان طرفدار دارد؟

خوشبختانه بله، من از نزدیک می‌بینم که آنهایی که علاقه‌مند هستند واقعا کار می‌کنند. به خصوص نوآوری‌های جوانان در هنر را باید جدی گرفت. علاقه‌مند و خوش ذوق در این مرز و بوم زیاد داریم، که اینها تنها نیاز به پشتیبان محکم دارند. برای مثال من با این سن و سال اگر در بنایی برای عکاسی یا گذارم، با بی‌احترامی بیرون می‌کنند حال جوانان که جای خود را دارند.

راز ماندگاری چهره‌ی یک هنرمند چیست؟

به عقیده‌ی من این خود هنرمند است که چهره‌اش را ماندگار می‌کند. ما اگر بخواهیم به امید تشکیل و نهادی باشیم تا یاد ما را زنده نگه دارد، همه چیز حتی اسم‌مان به فراموشی می‌رود. من به شما می‌گویم ۴۰ سال است کتاب من در گیر و دار مدیران و نهادهای است و اگر چهار نفر من را می‌شناسند به علت کارهایی است که انجام داده‌ام و از چاپ‌ها تا تهران از خود اثری باقی نگذاشته‌ام.

کاشی گل

کاشیکاری آرامگاه شیخ فریدالدین محمد ابن ابراهیم عطار نیشابوری، شهر نیشابور قرن هفتم هجری قمری/ عکس: بهزاد ترکی زاده

آن انتشاراتی عمل کنیم. متأسفانه به محض بستن قرارداد آقای اشعری جای خود را با دیگری تغییر داد. مدبری که به جای ایشان آمد، هنگامی که کتاب‌های من را دید، با برخورد بسیار توهین آمیز عنوان کرد که این کتاب‌ها اصلا به درد نمی‌خورد.

به تمام ارگان‌ها و مقامات کوچک و بزرگ شکایت کردم اما هیچکس نپرسید که حرف تو چیست و کوچکترین توجهی به بنده نکردند. دو سال پیش بود که سروش طی نامه‌ای به من اعلام کرد که برای فسخ قرارداد حضور پیدا کنم. هنگام فسخ قرارداد مجدداً مدیر سروش تغییر یافت و مدیر جدید برای چاپ کتب از ما استقبال کرد. البته چاپ دوباره کتاب مشکلاتی داشت. از این قبیل که عکس‌های گذشته در مقایسه با عکس‌های فعلی کیفیت پایینی دارد و یا برخی بناهای آمده در کتاب تخریب و بازسازی شده‌اند و نقشه‌ی فعلی با آنچه من در گذشته ترسیم کرده‌ام تا حدودی متفاوت است که برای چاپ‌های بعدی تعدادی از این مشکلات رفع شد و بقیه نیز در حال حل شدن است.

انتظار یا پیشنهاد شما به سازمان میراث فرهنگی چیست؟

انتظار فردی از سازمان و دولت ندارم. من عمر خود را کرده‌ام و قرار نیست چیزی را با خود به آن دنیا ببرم. من می‌گویم ۱۵ قرن اینها سینه به سینه آمده و دست تنها همه را تدوین و جمع‌آوری کرده‌ام و اگر تقلا می‌کنم برای کارم به این علت است که می‌خواهم زحمات من برای جوانان این مملکت بماند. بارها و بارها در مصاحبه‌های خود گفته‌ام که خدا نیامرزد آن کسی را که می‌گفت ماهروالنفش می‌دانست و نگفت. چهل و اندی سال است که به دنبال دولت می‌دوم و هیچ توقعی به غیر از چاپ کتاب‌هایم نداشته‌ام. خیلی از دوستانم هستند که وقتی کتاب‌های دست‌نوشته‌ی من را می‌بینند به من می‌گویند که اینها را زودتر چاپ کن. این نهایت آرزوی من است. اما هزینه‌ی چاپ کتاب بسیار بالا است و دولت هم حاضر به کوچکترین حمایتی نیست.

در خصوص بناهای تاریخی کشور چگونه است؟ آیا صحبتی در این باره با سازمان میراث دارید؟

بناهای تاریخی این سرزمین نیاز به شناسنامه‌ی جداگانه دارند تا شمای دانشجو یا گردشگر اگر روزی خواستی درباره‌ی مکانی مثلاً مسجد جامع اصفهان و یا بازار تهران اطلاعاتی کسب کنی، به راحتی بتوانی. ما این کار را شروع کردیم. مسجد حکیم اصفهان متعلق به دوران صفویه است که شناسنامه‌ی ۲۰۰ صفحه‌ای برای آن درست کردم. اما به چاپ نمی‌رسانند به این دلیل که می‌گویند خریدار ندارد. همچنین برای مسجد سید





روزه

بخش اول

رونمایی از آثار خطی و فرهنگی

موزهی جدید مرکز دایرهالمعارف انسان شناسی و موسسه پژوهشی ابن سینا روز چهارشنبه ۴ شهریور ماه شاهد مراسم رونمایی از ۱۲ قلم آثار خطی و فرهنگی منحصر به فرد بود.

در این مراسم که با حضور اندیشمندان و اساتید دانشگاهی و حوزوی و تعدادی از سفرای کشورهای اسلامی نظیر سفرا و نمایندگان کشورهای کویت، فلسطین، قطر، لیبی، کنیا، بحرین، ترکیه... برگزار شد، توسط آیت الله سیدهادی خسروشاهی از آثار مذکور که شامل کتب خطی و مجموعه نسخ منحصر به فرد قرآنی خطوط ایرانی و اسلامی، نقاشی، کتیبهها، انگشتری و مهر، آثار لاکه و نقاشیهای پشت شیشه، حرز و ادعیه رونمایی شد.

پس از مراسم رونمایی دکتر مهدی محقق رئیس هیات مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور، طی سخنرانی کوتاهی با تجلیل از زحمات دکتر صادق محفوظی به اهمیت حفظ و تصحیح و مقابله و تحقیق در آثار خطی اشاره کرد.

در ادامه نیز آیت الله فاضل مالکی با اشاره به تاریخ کتب اسلامی و قرآنی، حفظ و نگهداری این آثار را در ردیف مجاهدت در راه خدا برشمرد و به مقایسه آثار غرب و شرق جغرافیایی پرداخت.

همچنین در این مراسم، از قرآن به خط علاء الدین بیگ تبریزی، دعاهای کوفی مراکنسی قرن نهم هجری قمری، قرآن به خط کوفی قرن هشتم هجری قمری، قرآن مذهب قاجاری به فرمایش میرزا محمد خان سرتیپ به خط احمد وقار، یک جزء



میهمانان ویژه

این مراسم با حضور اندیشمندان و اساتید دانشگاهی و حوزوی و تعدادی از سفرای کشورهای اسلامی نظیر سفرا و نمایندگان کشورهای اسلامی برگزار شد



بازدید اساتید

بازدید مدعوین از موزه‌های مختلف موسسه ابن سینا پس از اتمام مراسم رونمایی



بازدید از گنجینه آثار

آیت‌الله فاضل مالکی در بازدید از گنجینه آثار دایره المعارف انسان شناسی پس از اتمام مراسم رونمایی



گنجینه آثار خطی و فرهنگی
دکتر محمدصادق محفوظی شامل
۷۰ هزار اثر هنرهای اصیل
ایرانی و آثار موزه‌ای با محورهای
دینی و اسلامی و می‌توان گفت
که نزدیک به دوده است
منشاء خدمات بسیاری به
فرهنگ و دانش تمدن
اسلامی - ایرانی بوده است

مراسم رونمایی

مراسم رونمایی از کتب خطی و مجموعه نسخ منحصر به فرد قرآنی توسط آیت الله سیدهادی خسروشاهی

این گنجینه اسلامی

گنجینه آثار خطی و فرهنگی دکتر محفوظی شامل ۷۰ هزار اثر هنرهای اصیل ایرانی و آثار موزه‌ای با محورهای دینی و اسلامی است



از قرآن بایستقر میرزا ابن شاهرخ، رسم المشق یاقوت مستعصمی، دایرةالمعارف ملقب به ابوالحسن ابن عالیچاه میرزا ابوترابخان ابن مرحمت (رمضان المبارک ۱۲۷۹ هجری قمری)، دعاهاى صباح به خط محمد حسین شیرازی سنه ۱۲۶۸ هجری قمری به دستور میرزا محمد علی خان ناظم الملک، شرح صواعق ابن حجر عقلانی چاپ نشده، صحاح اللغة دوران تیموری، البوم مسکوکات کمیاب (ضرب شهرهای قم و توس و ری) صفویه، تاریخ باری در سنه ۹۳۶ جلد سوخت دوران تیموری، رونمایی شد.

پس اتمام از مراسم رونمایی، مدعوین به بازدید از موزه‌های مختلف موسسه ابن سینا پرداختند.

شایان ذکر است که گنجینه آثار خطی و فرهنگی دکتر محمدصادق محفوظی شامل ۷۰ هزار اثر هنرهای اصیل ایرانی و آثار موزه‌ای با محورهای دینی و اسلامی و می‌توان گفت که نزدیک به دوده است منشاء خدمات بسیاری به فرهنگ و دانش تمدن اسلامی - ایرانی بوده است.

انتشار ۳۰۰ عنوان کتاب و دهها مقاله پژوهشی در رشته‌های مختلف علوم انسانی و مباحث تکنولوژیک، گوشه‌ای از فعالیت‌های این مرکز می‌باشد.

مرکز دائرةالمعارف انسان شناسی ضمن ارتباط مستمر با مراکز علمی جهان نظیر سازمان یونسکو، اکسفورد، دانشگاه نیویورک سیتی، دانشگاه مسکو و مراکز اسلامی هامبورگ و همچنین راهاندازی پایگاه اینترنتی فعال، توانسته است نقشی موثر در تعامل و دادوستد فرهنگی با مراکز علمی معاصر برعهده گیرد.